

چراپی غربت امام رضا(ع)

چرا امام رضا (ع) غریب الغرباء است؟

در فضیلت زیارت امام رضا(ع) روایات فراوانی وجود دارد اما یک روایت به یک نکته بسیار ویژه و کلیدی اشاره می کند. امام صادق(ع) فرمودند: «یکی از فرزندان من در شهر طوس در سرزمین خراسان کشته خواهد شد، هر کس او را زیارت کند و حق او را بشناسد، روز قیامت خودم دست او را خواهم گرفت و روانه بهشت خواهم کرد؛ گر چه از اهل گناه کبیره باشد؛ یُقْتَلُ حَفَدَتِي بِأَرْضِ خُرَّاسَانَ فِي مَدِينَةٍ يُقَالُ لَهَا طُوسٌ مَنْ زَارَهُ إِلَيْهَا عَارِفًا بِحَقِّهِ أَخَذْتُهُ بِيَدِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَأَدْخَلْتُهُ الْجَنَّةَ وَإِنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْكِبَائِرِ»^۱

پرسیدند: آقا جان! شناخت حق آن حضرت یعنی چه؟ حضرت فرمود: «یعنی بدانند که او امام و حجت خداست و اطاعت از او واجب است بعد فرمود بدانند که امام رضا(ع) غریب و شهید است؛ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَمَا عَرَفَانُ حَقَّهُ قَالَ يَعْلَمُ أَنَّهُ إِمَامٌ مُفْتَرَضُ الطَّاعَةِ غَرِيبٌ شَهِيدٌ»^۲

بنابراین از حقوقی که از ناحیه امام رضا(ع) بر گردن ما هست، این است که بدانیم امام رضا(ع) غریب است؛ بدانیم امام رضا(ع) غریب است یعنی بدانیم چرا امام رضا (ع) غریب است؟

بعد قیمت این زائر خیلی گران است آنقدری که اگر کسی با این معرفت امام رضا(ع) را زیارت کند، ثواب هفتاد شهید از شهدای حقیقی پای رکاب رسول الله(ص) را دارد. «مَنْ زَارَهُ عَارِفًا بِحَقِّهِ أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَجْرَ سَبْعِينَ شَهِيداً مِمَّنِ اسْتُشْهِدَ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ ص عَلَى حَقِيقَةٍ»^۳

۱ امالی صدوق، ص ۱۲۱.

۲ همان.

۳ همان.

گاهی یک معرفت عمیق، چقدر، به زیارت انسان وزانت و سنگینی می دهد

گاهی یک معرفت عمیق، چقدر انسان را گران قیمت می کند، به زیارت انسان چقدر وزانت و سنگینی می دهد. این را بدانی که چرا امام رضا(ع) غریب است؛ در جا مزد هفتاد شهید پای رکاب رسول الله(ص) را دریافت می کنی.

ما امام رضا(ع) را به غربت و تنهایی می شناسیم آنچنانی که به حضرت لقب غریب الغریاء داده ایم اما راز این غربت امام رضا(ع) چیست؟ اصلاً چرا امام رضا(ع) غریب ماند، غربت امام رضا(ع)، خیلی قابل تامل و تفکر هست.

غربت امام رضا(ع)، بعد از مکتب درسی و علمی امام باقر(ع) و صادق(ع) طبیعی نیست

غربت امام رضا(ع)، در چه زمانی اتفاق افتاد؟ بعد از شکل گیری کرسی با عظمت درس امام باقر(ع) و اقبال عوام و خاص به امام باقر(ع)، امام رضا(ع)، بعد از آن زمانی که امام صادق(ع)، هزاران شاگرد داشتند و امام کاظم(ع) میراث دار مکتب امام باقر(ع) و امام صادق(ع)، هستند. در چنین زمانی امام رضا(ع)، غریب ماندند. این غربت اصلاً طبیعی نیست، این غربت اصلاً قابل قبول نیست.

یک وقتی زمانه، زمانه امام سجاد(ع) هست و آن غربت بی نظیر بعد از کربلا، حالا می گویم این غربت جا دارد اما چرا دیگر زمان امام رضا(ع)؟ زمان امام رضا(ع) علی القاعده نباید حضرت غریب باشد، عصر امام رضا(ع) باید زمان قدرت امام رضا(ع) باشد، اینقدر امام رضا(ع)، قدرت اجتماعی داشتند، که دشمن احساس خطر می کند و سعی می کند امام رضا(ع) را در قدرت، مشارکت دهد وگرنه مامون مغز آن حیوان نجیب را نخورده بود که خودش را با بنی العباس درگیر کند. چقدر از فرماندهان و بزرگان بنی العباس، مخالف قدرت دادن به امام رضا(ع) در حکومت بودند. با این حال مامون این ریسک را پذیرفت، چون خطر بزرگتری را احساس می کرد.

امام رضا(ع) هم به مامون فرمود: «مامون! فکر نکن تو به من قدرت دادی! من در مدینه بودم، به شرق و غرب عالم نامه می نوشتم و حرفم را گوش می دادند و تو چیزی به قدرت من اضافه نکردی با

ولی عهدی؛ قَدْ كُنْتُ بِالْمَدِينَةِ أَتَرَدُّدٌ فِي طُرُقِهَا عَلَى دَابَّتِي وَإِنَّ أَهْلَهَا وَغَيْرَهُمْ يَسْأَلُونِي الْحَوَائِجَ فَأَقْضِيهَا لَهُمْ فَيَصِيرُونَ كَالْأَعْمَامِ لِي وَإِنَّ كُتَيْبِي لَتَأْفِذُهُ فِي الْأَمْصَارِ وَ مَا زِدْتَنِي مِنْ نِعْمَةٍ هِيَ عَلَيَّ مِنْ رَبِّي»^۴

قدرت اجتماعی امام، فرصتی برای دعوت علنی به ولایت

آنقدر برای امام رضا(ع)، قدرت اجتماعی پدید آمد، که امام رضا(ع) با صدای بلند، مردم را دعوت به ولایت خودشان می کردند، بدون ترس از دشمن این اتفاق تازه بود. دوستان حضرت؛ اعتراض می کردند که آقا چرا دعوت به ولایت خودتان می کنید در حالی که از شمشیر هارون خون پدر شما می چکد. حضرت می فرمودند: «همان طور که پیامبر اکرم(ص) می فرمودند «اگر ابولهب توانست یک مو از سر من کم کند، من پیغمبر شما نیستم» من هم به شما می گویم؛ اگر هارون توانست یک مو از سر من کم کند، من امام شما نیستم!؛ اَنَا أَقُولُ لَكُمْ «إِنَّ أَخَذَ هَارُونُ مِنْ رَأْسِي شَعْرَةً فَاشْهَدُوا أَنِّي لَسْتُ بِإِمَامٍ»^۵ لذا با قدرت حضرت بدون هیچ واهمه‌ای به امر تبلیغ، تبیین و دعوت به امامت می پرداختند. این اتفاق عجیب و تازه بود که در زمان امام رضا(ع) افتاد که یک امام فرصت و قدرت پیدا کند با صدای بلند دعوت به ولایت کند همان طور که در نیشابور در میان آن هزاران عالم نیشابور حضرت توحید را به ولایت خودشان وصل کردند.

شما ببینید زمان امام صادق(ع)، حضرت می خواهد جانشین خودش را معرفی کند، چقدر ملاحظات امنیتی داشته است که به ۵ نفر وصیت می کند که یکی از آنها خلیفه وقت منصور دوانیقی است. یعنی حضرت نمی توانستند علنی بگویند که امام کاظم(ع) جانشین من است. کافی بود دشمن احساس کند که اهل بیت، مدعی حاکمیت هستند تا خون به پا کنند. اما زمان امام رضا(ع)، آنقدر حضرت، قدرت اجتماعی پیدا کردند که راحت، از ولایت خودشان حرف می زدند. دشمن هم خوب می فهمید این ولایت، فقط رنگ و بوی اعتقادی ندارد، این ولایت اول معنای سیاسی دارد.

^۴ عیون اخبارالرضا، ج ۲، ص ۱۶۷.

^۵ کافی، ج ۸، ص ۲۵۸.

بنابراین امام رضا(ع)، در اوج قدرت قرار داشتند، پس چرا به امام رضا(ع) غریب الغرباء می گویند؟ همان طور که گفتیم امام صادق(ع) می فرمایند یکی از پایه های معرفتی که حق امام رضا(ع) بوده و ما باید آن را بشناسیم این است که بدانیم او غریب است پس باید بررسی شود غربت امام رضا(ع) به چه معناست و چه عللی دارد؟

غریب بودن، یک صفت مشترک بین امام رضا(ع)، و امام زمان(عج)

حالا چرا اهمیت دارد علت غربت امام رضا(ع) را بشناسیم، یکی از دلایل جدای از این که حق امام شناخته نمی شود مگر به اینکه علت غریب او را بشناسی، دلیل دیگر این است که یکی از القاب امام زمان(عج) همین غریب بودن است. وقتی از امام کاظم(ع)، پرسیدند صاحب این امر یعنی صاحب زمان چه کسی است؟ حضرت فرمود: «الطَّرِيدُ الْوَحِيدُ الْغَرِيبُ الْغَائِبُ عَنْ أَهْلِهِ الْمَوْثُورُ بِأَبِيهِ ع. او طرد شده است، او تنهاست، او غریب است او غایب از خانواده خودش است و منتقم خون پدرش است»^۶ غریب بودن، یک صفت مشترک بین امام رضا(ع)، و امام زمان(عج) است. اگر بخواهیم ما از امامان رفع غربت کنیم باید علت غربت را بیابیم، تکرار کردن درباره علت غربت امام رضا(ع) ما را کمک می کند برای رفع غربت صاحب الزمان(عج).

عدم همبستگی اجتماعی، راز غربت امام رضا(ع)

به نظر می رسد راز غربت امام رضا(ع)، این است که جامعه شیعه، جزایر پراکنده ای بودند که حاضر نبودند به یک پارچگی برسند و اختلافات خودشان را کنار بگذارند. همبستگی اجتماعی وقتی در جامعه ضعیف شد، امام جامعه غریب می شود.

^۶ کمال الدین، ج ۲، ص ۳۶۱.

اگر اصلی ترین نقش امام، حفظ همبستگی اجتماعی است؛ همان طور که حضرت زهرا(س) مهم ترین کارکرد ولایت را حفظ همبستگی اجتماعی معرفی کردند؛ فرمودند: «إِمَامَتَنَا أَمَانًا لِلْفُرْقَةِ»^۷ حالا، اگر مردم نخواهند، توسط امام، این همبستگی اجتماعی را سامان دهند، امام در آن جامعه، غریب خواهد ماند هرچند مثل امام رضایی، در یک قدمی قدرت باشد و ظرفیت های اجتماعی هم برای قدرت امام فراهم باشد.

وقتی شما به سخنان امام رضا(ع)، برمی گردید نگاه می کنید می بینید بخش قابل توجهی از سخنان حضرت، معطوف به مدیریت روابط اجتماعی است.

گلایه امام رضا(ع)، از عدم همبستگی در جامعه

حضرت رضا (ع)، نامه را به جناب عبدالعظیم حسنی نوشته اند که نشان می دهد چقدر امام رضا(ع) سعی می کنند، این همبستگی اجتماعی را تقویت و نهادینه کنند. گلایه امام رضا(ع)، از عدم همبستگی در جامعه است.

فرمود: «عبدالعظیم حسنی! سلام مرا به شیعیان برسان و آنها بگو راه را برای شیطان باز نکنند، چطور راه را باز نکنند؟ راستگویی، ادای امانت، سکوت و ترک جدال و بگو و مگوهای غیر ضروری؛ يَا عَبْدَ الْعَظِيمِ أبلغ عني أوليائي السلام و قل لهم: أن لا يجعلوا للشيطان على أنفسهم سبيلاً و مؤمهم بالصديق في الحديث و أداء الأمانة و مؤمهم بالسكوت و ترك الجدال فيما لا يعينهم»^۸ شما از لابه لای این کلمات درد جامعه و علت غربت امام رضا(ع) را به خوبی می فهمید.

^۷ الاحتجاج، ج ۱، ص ۹۹.

^۸ الاختصاص، ص ۳۴۷.

چگونه رفتار های اجتماعی موجب تقرب به خداست؟

در ادامه حضرت فرمودند: «به آنها بگویند هوای همدیگر را داشته باشند، چرا که اینکار موجب تقرب به خداست؛ وَ اِقْبَالِ بَعْضِهِمْ عَلَى بَعْضٍ وَ الْمُرَاوَرَةَ فَإِنَّ ذَلِكَ قُرْبَةٌ اِلَيَّ»^۹ ما خیلی زرتنگ هستیم برای تقرب به خدا، می رویم دنبال خلوت کردن با خدا، در حالی که امام رضا(ع) راه تقرب را در میان شلوغی جمعیت و هوای همدیگر را داشتن به ما نشان می دهند. کلا ما رفتارهای اجتماعی خودمان را عبادت فرض نمی کنیم برایش وقت نمی گذاریم در حالی که بزرگترین عبادت ها، عبادت های اجتماعی هستند. در روایات ما تصریح شده اگر نیازهای اولیه مومنی را برطرف کنی، از هفتاد حج بالاتر است.^{۱۰}

از بس دین ما را فردی معرفی کردند، یاد عبادت های اجتماعی نمی افتیم. این اشکال بزرگی در دین داری ما هست. امام زمان (عج) به علی بن مهزیار اهوازی که بعد از چهل سفر حج، توفیق تشریف پیدا کرد، فرمود علت اینکه شما دیر به دیداری ما آمدی این هست که خوب نماز نخواندی، خوب روزه نگرفتی؛ چی فرمودند؟ فرمود به فقرا رسیدگی نمی کنید.^{۱۱} مشکل اینجاست.

^۹ همان.

^{۱۰} «عَنْ بَعْضِ اصْحَابِهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: وَ اللّٰهُ لَآنْ اُحْجَّ حَجَّةً اَحَبُّ اِلَيَّ مِنْ اَنْ اُعْتِقَ رَقَبَةً وَ رَقَبَةً وَ مِثْلَهَا وَ مِثْلَهَا حَتَّى يَبْلُغَ عَشْرًا وَ مِثْلَهَا وَ مِثْلَهَا حَتَّى يَبْلُغَ السَّبْعِينَ وَ لَآنْ اُعُولُ اَهْلَ بَيْتِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ اَسَدٌ جَوْعَتِهِمْ وَ اَكْسُو عَوْرَتَهُمْ فَاَكْفُ وَجُوهِهُمْ عَنِ النَّاسِ اَحَبُّ اِلَيَّ مِنْ اَنْ اُحْجَّ حَجَّةً وَ حَجَّةً وَ مِثْلَهَا حَتَّى يَبْلُغَ عَشْرًا وَ مِثْلَهَا حَتَّى يَبْلُغَ السَّبْعِينَ.» (به خدا اگر من حجی کنم، دوست تر دارم از اینکه بنده ای آزاد کنم و بازم بنده ای و بنده ای و مانند آن تا برسد به ده برابر آن و برابر آن تا برسد به هفتاد. و اگر یک خاندان مسلمان را مخارج بدهم، شکم آنها را سیر کنم و عورت آنها را بیوشانم و آبروی آنها را از مردم حفظ کنم دوست تر است به من از اینکه حجی انجام دهم و بازم حجی (و حجی) و مانند آن و مانند آن تا برسد به ده حج و مانند آن و مانند آن تا برسد به هفتاد حج.» (کافی، ج ۲، ص ۱۹۵)

^{۱۱} «لَكِنَّكُمْ كَثَرْتُمْ الْاَمْوَالَ، وَ تَجَبَّرْتُمْ عَلَي ضِعْفَاءِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ قَطَعْتُمْ الرَّجِيمَ الَّذِي يُبَيِّنُكُمْ، فَآيُ عُدْرُ لَكُمْ الْآنَ؟» (دلالت الامامه،

ص ۵۴۲)

اجتماعی که هوای همدیگر را ندارند لیاقت دیدار امام زمانشان را ندارند هرچند نماز شب بخوانند

این اجتماع از هم گسسته، این اجتماعی که هوای همدیگر را ندارند، لیاقت دیدار امام زمانشان را ندارند، هرچند نماز شب بخوانند.

الان بین ما اگر کسی نماز نخواند، حجاب را رعایت نکند، او را بی دین و لاابالی فرض می کنیم، در حالی که بی دینی و لاابالی گری، یعنی بی تفاوت نسبت به جامعه، این عین بی دینی است. چرا جامعه دینی، وقتی نسبت به جامعه احساس مسئولیت نمی کند، احساس گناه نمی کند؟ تازه این گناهی هست که ظهور را به تاخیر می اندازد، این که خیلی بدتر از یک گناه فردی هست.

رسیدگی به فقرا، کارآفرینی، عدم گران فروشی، رحم به دیگران، اینها مایه تقرب به خداست. ما تقرب خدا را خلاصه کردیم در نماز و روزه چند عبادت و مناسک فردی.

از مادران محترم خواهش می کنم! شما که دغدغه دین داری فرزندان را دارید، این بخش دین را هم به بچه ها یاد دهید. پسرم برای تقرب به خدا، الان باید هوای این فامیل را داشته باشیم، دخترم برای تقرب به خدا، هوای آن همسایه را باید داشته باشیم. وقتی شما فقط به حجاب توجه می کنی، وقتی شما فقط به نماز توجه می کنی، بچه ها فکر می کنند همه دین یعنی همین نماز و حجاب، آن بخش اجتماعی دین، که مایه تقرب به خدا هست پس چه می شود؟

امام رضا(ع)، سعی می کند مردم را از لاک دین فردی بیرون بیاورد. آن بخش از دین که مربوط به توجه به جامعه است را پر رنگ کند و آن را راه تقرب معرفی کند، همه از لاک دین فردی بیرون بیایند.

برخی از سیاست مداران مثل فرعون، جامعه را چند قطبی می کنند

حضرت در ادامه به عبدالعظیم حسنی می فرماید: «و لَا يَشْتَغِلُوا أَنْفُسَهُمْ بِتَمْزِيقِ بَعْضِهِمْ بَعْضًا، همدیگر را گروه گروه نکنند»^{۱۲} تمزیق در لغت یعنی شقه شقه کردن^{۱۳}، از زهر بدتر برای یک جامعه، این است که جامعه را چند پاره کنیم. به اصطلاح امروز چند قطبی کردن جامعه؛ کاری که فرعون می کرد. فرعون جامعه را چند قطبی می کرد. فرمود: «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا؛ فرعون در زمین برتری جویی کرد، و اهل آن را به گروه های مختلفی تقسیم نمود»^{۱۴}

برخی از سیاست مداران مثل فرعون عمل می کنند؛ هنری دارند در چند دسته کردن مردم، گروه گروه کردن مردم و اینکه گروهی را به جان گروه دیگری بیندازند. هنری دارند در چند قطبی کردن جامعه؛ می دانید امام رضا(ع) در ادامه درباره این طور آدم ها چه فرمودند؟ امام رضای رئوف، امام رضای عطوف، امام رضای سرشار از مهربانی فرمودند: «من سوگند خوردم با خود هر که چنین کند و یکی از دوستانم را به خشم آورد، از خدا بخواهم تا خدا او را در دنیا به سخت ترین عذاب دچار کند و در آخرت او را از زیانکاران قرار دهد؛ فَإِنِّي آتَيْتُ عَلَى نَفْسِي إِنَّهُ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ وَ أَشْخَطَ وِلِيًّا مِنْ أَوْلِيَائِي دَعَوْتُ اللَّهَ لِيُعَذِّبَهُ فِي الدُّنْيَا أَشَدَّ الْعَذَابِ وَ كَانَ فِي الْأَجْرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ»^{۱۵} چقدر عبارات وحشتناک هست. امام رضا(ع)، نفرین کردند جماعتی را که به دنبال این هستند جامعه را به صورت جزایر پراکنده کنند. تفرقه افکنی، گروه گروه کردن، این گروه را به جان آن گروه انداختن، فضای مجازی امروز، چنین فضای شده است. فضای نفرت پراکنی و تک پاره کردن جامعه. این جرم سنگین تر است یا اینکه یک نفر چاقو دست بگیرد و یک نفر را تک پاره کند؟

^{۱۲} الاختصاص، ص ۲۴۷.

^{۱۳} «مزق الميم و الزاء و القاف أصل صحيح يدل على تخرق في شيء و مرقه يمزقه، و مرقه يمزقه. و المرقق: قطاع الثوب الممزوق. و ناقه مرقق: سريعة جدا يكاد يتمزق عنها جلدها. و مرقق الطائر بدرقته: رمى به. و مرقق القوم: فرقتهم فتمزقوا.» (معجم مقاييس اللغة، ج ۵، ص ۳۱۸)

^{۱۴} القصص، ۴.

^{۱۵} همان.

نفرین امام رضا(ع) بر چند قطبی سازان جامعه

امام رضا(ع) لعنت می کند این جماعت را؛ یعنی شما بین زمانه امام رضا(ع)، چنین موجودات در جامعه بودند، امروز هم هستید. خیر جامعه را نمی خواهند، حیانتشان به این است که جامعه را دو قطبی یا چند قطبی کنند. آیا شما اجازه می دهید بنده، مثل امام رضا(ع) نفرین کنم و لعن کنم کسانی را که جامعه را در طول این سالیان دراز بعد از انقلاب چند قطبی کردند؟

سیاست مدارانی که جامعه را چند قطبی کردن، اینها چقدر ملعون هستند؟ باید فرهنگ نفرت از سیاست مداران چند قطبی ساز در جامعه را جا بیندازیم. آبروی سیاسی برای اینها باقی نماند. سیاست مداران زالو صفتی که جامعه را چند قطبی کردن، نباید بتوانند در جامعه سرشان را بالا بگیرند، آبروی سیاسی برایشان باقی نماند. چون اینها همان هایی هستند که اگر زمان امام رضا(ع) بودند، بانیان غربت امام رضا(ع) بودند.

جامعه ما از نظر سیاسی، باید آنقدر رشد کند، سیاست مدارانی که مثل فرعون جامعه را چند قطبی می کنند، منفور و در مقابل افکار عمومی محکوم باشند نه محبوب.

گناهی نابخشودنی که موجب خروج از ولایت امام رضا(ع) می شود

امام رضا(ع) باز ادامه می دهند می فرمایند: «عبدالعظیم حسنی! بفهمان! خدا گناهکاران شیعه را می بخشد مگر اینکه گناهشان شرک باشد یا اذیت کردن دوستی از دوستان من؛ خدا این آدم را نمی بخشد مگر اینکه توبه کند اگر برگشت که هیچ وگرنه خدا ایمان را از قلبش می گیرد و از ولایت من امام رضا ع خارج می شود و پناه می برم به خدا از اینکه از ولایت من خارج شود و این اتفاقات برایش بیفتد. «وَعَرَفَهُمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ غَفَرَ لِمُحْسِنِهِمْ وَتَجَاوَزَ عَنْ مُسِيئَتِهِمْ إِلَّا مَنْ أَشْرَكَ بِهِ أَوْ آذَى وَلِيًّا مِنْ أَوْلِيَائِي أَوْ أَضْمَرَ لَهُ سُوءًا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ لَهُ حَتَّى يَرْجِعَ عَنْهُ»^{۱۶}

^{۱۶} همان.

امام رضا(ع)، کنار شرک که گناه نابخشودنی است^{۱۷}، اذیت دوستان خودش را قرار می دهد، عجب جرم سنگینی است که در نهایت ولایت آدم را از آدم می گیرد. بدگناهی است این گناه، گناهی که ولایت را از انسان بگیرد. گناهان اجتماعی، از این دسته هستند.

فکری برای همبستگی جامعه خودمان برداریم

علت غربت امام رضا(ع)، این پراکندگی و چند قطبی بودن جامعه شیعه است. همبستگی در جامعه مرده است. گسست های وحشتناکی در جامعه است. حضرت رضا(ع)، بیشترین تلاش خودشان را می کنند برای ایجاد همبستگی اجتماعی.

رفقا! برای رفع غربت امروز امام زمان(عج)، فکری برای همبستگی جامعه خودمان برداریم. این مواساتی که در دوران کرونا مقام معظم رهبری روی آن تاکید کردند، از الطاف خدا به جامعه ما بود. خدا می داند چقدر جامعه را رشد داد، البته اگر در غیر موقعیت اضطراری مثل کرونا، جریان مواسات در جامعه ما شکل می گرفت، رشد بیشتری داشتیم اما همین مقدار هم بسیار مغتنم هست.

مدیریت اختلاف توسط امام رضا(ع)

امام رضا(ع) دلسوزانه و دردمندانه، جامعه را منسجم می کند همبستگی اجتماعی را به اوج می رساند و سعی می کند گسست های اجتماعی را مدیریت کند. اختلافات را به حداقل برساند.

یکی از یاران خوب امام رضا(ع) فردی است به نام «یونس بن عبدالرحمن» هست. امام رضا(ع) می فرماید: «یونس برای ائمه زمان خودش مانند سلمان برای پیامبر(ص) بود؛ یُونُسُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ فِي زَمَانِهِ كَسَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ فِي زَمَانِهِ»^{۱۸}، سی جلد کتاب دارد. امام جواد(ع) یکی از کتاب هایش را از

^{۱۷} نساء، ۴۸.

^{۱۸} رجال کشی، ۴۸۸.

ابتدا تا انتها ورق می‌زدند، و برای هر صفحه، برای او طلب رحمت می‌کردند.^{۱۹} اما از برخی روایات اینطور معلوم می‌شود که غریب بود و مردم او را دوست نداشتند. در روایت آمده است که: «روزی یونس میهمان امام رضا(ع) بود. عده‌ای از اهل بصره نزد حضرت آمدند و اجازه ورود خواستند. امام رضا(ع) از یونس خواستند که در اتاق مجاور بماند، آن عده بعد از احوالپرسی شروع به بدگویی از یونس کردند و امام رضا(ع) سرشان را به زیر انداخته بودند و چیزی نمی‌فرمودند. چراکه حتی این مقدار ظرفیت نداشتند که امام در نزد آنان از یونس دفاع کنند. بعد که آن افراد رفتند، حضرت، یونس را صدا زدند. یونس گریه می‌کرد و می‌گفت: آقا می‌بینید اینها که از شیعیان هستند، با من چه می‌کنند؟ امام رضا(ع) فرمودند: چه اشکالی دارد؟ وقتی که امام تو از تو راضی است. بگذار هر چه می‌خواهند، بگویند. بعد حضرت به یونس فرمودند: اگر در دست راست تو مروریدی باشد، و مردم بگویند: پشگل است، یا پشگلی در دست تو باشد، و مردم بگویند مروراید است، آیا تو را سودی می‌رساند؟ یونس گفت: خیر. حضرت فرمودند: وضع تو هم اینگونه است. وقتی تو بر راه صحیح هستی، و امامت از تو راضی است، سخن مردم ضرری به تو نمی‌زند.»^{۲۰} حضرت به زیبایی این اختلاف را مدیریت کردند.

^{۱۹} «...فَجَعَلَ يَتَصَفَّحُهُ وَرَقَةً وَرَقَةً، حَتَّى آتَى عَلَيْهِ مِنْ أَوْلِيهِ إِلَى آخِرِهِ، وَجَعَلَ يَقُولُ: رَحِمَ اللَّهُ يُونُسَ، رَحِمَ اللَّهُ يُونُسَ، رَحِمَ اللَّهُ يُونُسَ» (رجال کشی، ۴۸۴)

^{۲۰} عن جَعْفَرِ بْنِ عَيْسَى، قَالَ، كُنَّا عِنْدَ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا (ع) وَعِنْدَهُ يُونُسُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ، إِذَا اسْتَأْذَنَ عَلَيْهِ قَوْمٌ مِنْ أَهْلِ الْبَصْرَةِ، فَأَوْمَى أَبُو الْحَسَنِ (ع) إِلَى يُونُسَ: ادْخُلِ الْبَيْتَ! فَإِذَا بَيْتٌ مُسْتَبَلٌ عَلَيْهِ سِتْرٌ، وَإِيَّاكَ أَنْ تَتَحَرَّكَ حَتَّى تُؤْذَنَ لَكَ! فَدَخَلَ الْبَصْرِيُّونَ وَ أَكْثَرُوا مِنَ الْوَقِيعَةِ وَ الْقَوْلِ فِي يُونُسَ، وَ أَبُو الْحَسَنِ (ع) مُطْرَقٌ، حَتَّى لَمَّا أَكْثَرُوا وَ قَامُوا فَوَدَّعُوا وَ خَرَجُوا: فَأَذِنَ لِیُونُسَ بِالْخُرُوجِ، فَخَرَجَ تَاجِياً فَقَالَ: جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ إِنِّي أَحَامِي عَنْ هَذِهِ الْمَقَالَةِ وَ هَذِهِ خَالِي عِنْدَ أَصْحَابِي! فَقَالَ لَهُ أَبُو الْحَسَنِ (ع): يَا يُونُسُ وَ مَا عَلَيْكَ مِمَّا يَقُولُونَ إِذَا كَانَ إِمَامَكَ عَنْكَ رَاضِياً! يَا يُونُسُ حَدِّثِ النَّاسَ بِمَا يَعْرِفُونَ، وَ اتْرُكْهُمْ مِمَّا لَا يَعْرِفُونَ، كَأَنَّكَ تُرِيدُ أَنْ تُكَذِّبَ عَلَى اللَّهِ فِي عَرْشِهِ، يَا يُونُسُ وَ مَا عَلَيْكَ أَنْ لَوْ كَانَ فِي يَدِكَ الْيَمْنَى دُرَّةٌ ثُمَّ قَالَ النَّاسُ بَعْرَةٌ، أَوْ بَعْرَةٌ فَقَالَ النَّاسُ دُرَّةٌ، هَلْ يَنْفَعُكَ ذَلِكَ شَيْئاً فَقُلْتَ لَأ، فَقَالَ: هَكَذَا أَنْتَ يَا يُونُسُ، إِذْ كُنْتَ عَلَى الصَّوَابِ وَ كَانَ إِمَامَكَ عَنْكَ رَاضِياً لَمْ يَضُرَّكَ مَا قَالَ النَّاسُ (رجال کشی، ۴۸۷)

مدیریت اختلاف، هنر امام جامعه هست. حالا در یک محیط کوچکتر مثل خانواده هم همین طور هست. اگر جامعه کوچک مثل خانواده، بخواهد همبستگی و دلبستگی به اوج برسد، یک نفر می خواهد امام باشد و اختلافات را مدیریت کند، این امام، کسی نیست جز مادر. البته پدر هم می تواند این اختلافات را مدیریت کند اما بالاخره هنر زنانگی، در مدیریت اختلافات قدرت بیشتری برای اثر گذاری دارد.

کمک سیاسی امام رضا(ع) به مامون برای همبستگی جامعه

امام رضا(ع)، غریبانه شهید، شدند و در غربت به شهادت رسید؛ چه برای چه؟ چون در جامعه گسل های عمیق اجتماعی وجود داشت. اگر مردم یک دل می شدند و در عهدی که با امام خودشان داشتند محکم اجتماع می کردند، امام رضا (ع) به تکیه بر قدرت اجتماعی برآمده از همبستگی مردم، مامون ضعیف و زبون را کنار می زد.

امام رضا (ع)، برای همبستگی اجتماعی، با اینکه شرط کرده بود تا در امور سیاسی کشور دخالت نکند، ولی به مامون کمک های سیاسی عجیب و غریبی کرد. می دانید علت شهادت امام رضا(ع) دقیقا چی بود؟ این حرفی است که کمتر تا به حال زده شده است. مامون چرا امام رضا(ع) را به شهادت رساند؟ به خاطر یک کمک سیاسی امام به مامون.

امام رضا(ع) به مأمون توصیه کرد که تو باید به مرکز جهان اسلام بروی و نباید در خراسان بمانی. و تحلیل هایی را برای او ارائه دادند و او را متقاعد کردند که قدرت تو در آنجا(بغداد یا مدینه) افزایش پیدا خواهد کرد. مردم در رنج هستند و تو باید برای رنج مردم حرکت کنی بروی مرکز حکومت اسلامی نه این

گوشه. فرمود: « فَأَتَقِيَ اللَّهَ ... فِي أُمُورِ الْمُسْلِمِينَ »^{۲۱} و مأمون هم این سخن امام رضا(ع) را قبول کرد و در نهایت هم این کار را انجام داد؛ البته بعد از کشتن فضل و به شهادت رساندن امام رضا(ع). چون می دانست که امام رضا(ع) به او خیانت نمی کند.

امام رضا(ع) اگر می خواست، می توانست با کوچکترین اشاره، بزرگترین تشنج ها را برای مأمون و حکومتش ایجاد کند ولی حضرت برعکس عمل می کرد یعنی موجب ثبات حکومت مأمون می شد. مثلاً همانطور که گفتیم بعد از قتل فضل، طرفداران و منصوبین فضل علیه مأمون شورش کردند. مأمون نزد امام رضا(ع) آمد و کمک خواست. حضرت قبول کردند، رفتند و آنها را آرام کردند. البته یک عده ای از آنها آرام نمی شدند که حضرت با قدرت و نفوذ خود، آنها را پراکنده کرد.^{۲۲}

چرا امام رضا(ع) مأمون را کمک می کرد؟ چرا در مقابل شورش حکومت مأمون را کمک کرد؟ چون ثبات و عدم گسست اجتماعی خیلی اهمیت دارد و اگر بی ثباتی ایجاد شود، همه ضرر خواهند کرد. یکی از دلایل تحمل زجرها توسط ائمه هدی(ع) به خاطر حفظ ثبات جامعه بوده است.

۲۱ « فَأَنَّكَ قَدْ ضَيَّعْتَ أُمُورَ الْمُسْلِمِينَ وَ قَوَّضْتَ ذَلِكَ إِلَى غَيْرِكَ يَحْكُمُ فِيهِمْ بغيرِ حُكْمِ اللَّهِ وَ قَعَدْتَ فِي هَذِهِ الْبِلَادِ وَ تَرَكَتَ بَيْتَ الْهَجْرَةِ وَ مَهَيْتَ الْوُحْيَ / وَ إِنَّ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارَ يُظَلَمُونَ دُونَكَ وَ لَا يَرْفَعُونَ فِي مُؤْمِنٍ إِلَّا وَ لَا ذِمَّةً وَ بَأْسِي عَلَى الْمَطْلُومِ دَهْرٌ يُتَعَبُ فِيهِ نَفْسُهُ وَ يَعْجَزُ عَنْ نَفَقَتِهِ وَ لَا يَجِدُ مَنْ يَشْكُو إِلَيْهِ حَالَهُ وَ لَا يَصِلُ إِلَيْكَ / فَأَتَقِيَ اللَّهَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فِي أُمُورِ الْمُسْلِمِينَ وَ ارْجِعْ إِلَى بَيْتِ النُّبُوَّةِ وَ مَعْدِنِ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ / أَمَا عَلِمْتَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَنَّ وَالِي الْمُسْلِمِينَ مِثْلَ الْعَمُودِ فِي وَسَطِ الْفُسْطَاطِ مِنْ أَرَادَهُ أَخَذَهُ »

۲۲ ... فَأَجْتَمَعَ الْجُنْدُ وَ الْقَوَادُ وَ مَنْ كَانَ مِنْ رِجَالِ الْفَضْلِ عَلَى بَابِ الْمَأْمُونِ فَقَالُوا هَذَا اغْتَالَهُ وَ قَتَلَهُ يُعْتُونَ الْمَأْمُونَ وَ لَنْطَلِبَنَّ بَدِيهَهُ وَ جَاءُوا بِالنَّبْرَانِ لِيُحْرِقُوا الْبَابَ فَقَالَ الْمَأْمُونُ لِأَبِي الْحَسَنِ ع يَا سَيِّدِي تَرَى أَنْ تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ وَ تَفْرِقَهُمْ قَالَ فَقَالَ يَا سَيِّدِي فَرَكِبْتُ أَبُو الْحَسَنِ وَ قَالَ لِي ارْكَبْ فَرَكِبْتُ فَلَمَّا خَرَجْنَا مِنْ بَابِ الدَّارِ نَظَرَ إِلَى النَّاسِ وَ قَدْ تَرَاخَمُوا فَقَالَ لَهُمْ بِيَدِهِ تَفَرَّقُوا تَفَرَّقُوا قَالَ يَا سَيِّدِي فَأَقْبَلَ النَّاسُ وَ اللَّهُ يَبْقَى بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَ مَا أَشَارَ إِلَى أَخِي إِلَّا رَكَضَ وَ مَرَّ كَافِي (۴۹/۱/۱)